

بررسی رابطه‌ی مهارت‌های اجتماعی با سازگاری زناشویی زنان شاغل تبریز

دکتر کامران صداقت^۱

نازلی پورلطف‌الهی^۲

چکیده

با توجه به این که خانواده یک نهاد اصلی و مهم می‌باشد حفظ پایه‌های آن در سلامت روانی و رفتاری زوجین بسیار مهم می‌باشد. و فقدان مهارت‌های ارتباطی و توانایی‌های عاطفی، روانی و اجتماعی افراد را در مواجهه با مشکلات و مسائل آسیب-پذیر نموده و آن‌ها را در معرض انواع اختلالات روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می‌دهد. از این رو یکی از راه‌های پیشگیری از بروز مشکلات زناشویی آموزش مهارت‌های اجتماعی است.

در این تحقیق هدف اصلی، تعیین رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و سازگاری زناشویی زنان شاغل تبریز می‌باشد. اهداف اختصاصی آن تعیین رابطه بین مهارت‌های رفتاری و شناختی، میزان استقلال‌طلبی زنان، سن زنان و براساس آشنایی قبل از ازدواج (متغیر مستقل) با میزان رضایت زناشویی (متغیر وابسته) می‌باشد. چارچوب نظری آن را نظریه‌های فریمو، نای، گازدا، گاتمن، مارکس، انگلس و روشه تشکیل می‌دهند.

۱ - عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم اقتصادی تهران.

۲ - کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

روش: روش تحقیق پیمایشی است. جامعه آماری آن زنان ۵۵-۲۰ ساله شهر تبریز و حجم نمونه آن ۳۸۱ نفر و شیوه نمونه‌گیری، طبقه‌ای متناسب می‌باشد. ابزار تحقیق پرسش‌نامه است که برای سؤال‌های مهارت‌های اجتماعی از پرسش‌نامه محقق ساخته و برای سنجش متغیر ملاک (سازگاری زناشویی) از پرسش‌نامه اسپاینر استفاده شده است. برای ارائه نتایج از روش‌ها و آماره‌های توصیفی و نیز برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، Ttest، استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار spss انجام گردید.

یافته‌های تحقیق: رابطه معنی‌دار بین متغیرهای مهارت‌های اجتماعی (رفتاری-شناختی) استقلال‌طلبی زنان، سابقه آشنایی قبل از ازدواج، سن زنان و سازگاری زناشویی وجود دارد. سازگاری زناشویی زنان شاغل، بیش از هر متغیر دیگری از متغیر مهارت‌های شناختی زوجین، متأثر می‌باشد. آخرین عامل تأثیرگذار استقلال‌طلبی زنان می‌باشد.

واژگان کلیدی: سازگاری زناشویی، مهارت‌های رفتاری و شناختی، زنان شاغل، استقلال‌طلبی، عوامل فردی.

مقدمه و بیان مسأله

هاکینز رضایت‌مندی زناشویی را احساسات عینی ازخشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر موقعی که تمام جنبه‌های ازدواج‌شان را در نظر بگیرند، تعریف می‌کند. طبق تعریف فردی رضایت‌مندی زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت‌بخش است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی دارند (زرین-صدف، ۱۳۸۷: ۳۹).

با توجه به این که خانواده یک نهاد اصلی و مهم می‌باشد حفظ پایه‌های آن در سلامت روانی و رفتاری زوجین بسیار مهم می‌باشد به همین خاطر فقدان مهارت‌ها و توانایی‌های عاطفی، روانی و اجتماعی افراد را در مواجهه با مشکلات و مسائل آسیب-پذیر نموده و آن‌ها را در معرض انواع اختلال‌های روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می-

دهد. از این روی یکی از راه‌های پیشگیری از بروز مشکلات زناشویی آموزش مهارت‌های اجتماعی است.

بنابراین در زمینه خانواده و تربیت فرزندان و کودکان، روابط زناشویی و تحقیق درباره این که چگونه بگوییم رفتار کنیم و بیندیشیم که حرف‌های درست، خلاق و سالم ما را بچه‌ها و افراد خانواده گوش کنند، مهارت‌های اجتماعی کمک می‌کند. به خصوص یکی از عوامل بسیار مهم مشکلات زناشویی را در فقدان «ارتباط مؤثر» باید جستجو کرد.

از این مباحث می‌توان نتیجه گرفت مهارت‌های ارتباطی به فرد کمک می‌کند تا بتواند کلامی و غیر کلامی و مناسب با فرهنگ، خود را بیان کند. بدین معنی که فرد بتواند نظرها، عقاید، خواسته‌ها، نیازها و هیجان‌های خود را ابراز و به هنگام نیاز بتواند از دیگران درخواست کمک و راهنمایی نماید. و این توانایی به ایجاد روابط دوستانه کمک می‌کند و در سلامت روانی و اجتماعی، روابط گرم خانوادگی به عنوان یک منبع مهم، حمایت اجتماعی و قطع روابط اجتماعی ناسالم نقش مؤثر دارد.

سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از هم دیگر دارند. سازگاری در ازدواج از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش، درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (سین‌ها و ماکرچک؛ به نقل از قائمیان، ۱۳۸۸).

درباره سازگاری زناشویی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی وجود دارد بعضی‌ها می‌گویند موفقیت در ازدواج بستگی به قدرت رؤیا دارد، بستگی به این دارد که تاچه اندازه به عشق متعهد هستید. جمعی دیگر موفقیت روابط صمیمانه را به بخت و اقبال نسبت می‌دهند، جمعی دیگر هم به شور و اشتیاق و به وجود علائق و یا ارزش‌های مشترک اشاره می‌کنند. بعد از بررسی صدها رابطه به این نتیجه رسیدیم که کسانی در روابط صمیمانه خود موفق می‌شوند که از مهارت‌های ویژه‌ای برخوردارند. به این نتیجه رسیدیم که روابط پایا و پردوام را زوج‌هایی تحقق می‌بخشند که با مهارت‌های میان شخصی آشنایی دارند: مانند گوش دادن پویا، ارتباط روشن، مذاکره، برخورد مناسب

با خشم و چیزهای دیگر. اگر در یک رابطه زناشویی این مهارت‌ها وجود داشته باشند می‌تواند دستمایه شادی و درغیر این صورت منبع بزرگ رنج و تألم باشد (مک‌کی و دیگری، ۱۳۷۹: ۶).

افزایش روزافزون طلاق در دنیای کنونی، هر چند که در مقیاسی کمتر، متأسفانه جامعه فعلی ما را نیز در بر گرفته است و نارضایتی زن و شوهر از یکدیگر و نیز از هم-گسیختگی کانون‌های گرم بسیاری از خانواده‌ها و تأثیرهای سوء این جدایی بر افراد خانواده نیاز به رسیدگی و رفع این مشکل را مطرح ساخته است.

عوامل زیادی وجود دارند که بر تصمیم‌های مربوط به طلاق تأثیر می‌گذارند. زوج‌ها هم نیازهای شخصی و هم تأثیرهای اجتماعی، فرهنگی را با خود به درون ازدواج می‌آورند. با وجود این ممکن است که مشکلات رابطه‌ای زمینه‌ساز اصلی همه مسائل باشند (برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۷۷: ۲۸). پس از سال‌ها رشد کند، درمان خانواده و به ویژه زناشویی درمانی، بر اساس نظریه‌های متنوع علمی به جایگاه شایسته خود در درمان‌های روان‌شناختی رسیده است و به عنوان شیوه‌های مؤثر و کارساز در کاهش مشکلات خانوادگی، میان فردی، روابط زن و شوهر یا مشکلات زناشویی مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفته است. گرچه مشاوره مسائل خانوادگی و مشکلات بین زن و شوهر سابقه‌ای بسیار طولانی و نزدیک به یک قرن دارد، اما در سه دهه اخیر، با تلاش نظریه‌پردازان متخصصان روان‌درمانی و علوم رفتاری و دیگر افرادی که بر اهمیت مسائل مربوط به انسان و از جمله خانواده توجه و تأکید داشته‌اند نظریه‌ها و شیوه‌های مؤثر جدیدی برای رفع یا کاهش مسائل میان فردی در خانواده ارتقای نقش ارتباطی-مناسب، بسط پیوستگی و ادراک خانواده نسبت به نیازهای عاطفی یکدیگر و رشد و در نهایت، تمامیت خانواده مطرح شده است (همان: ۱۱).

مهارت‌های اجتماعی که به آن مهارت‌های ارتباطی و روابط بین فردی گفته می‌شود عبارت است از توانایی برقراری روابط فردی با دیگران، به نحوی که از نظر جامعه قابل قبول، ارزشمند و منطبق بر عرف و درعین حال برای شخص، خانواده و جامعه سودمند بوده و بهره‌های دو جانبه داشته باشد. یکی از نشانه‌های سلامت روانی

اجتماعی وجود همین ارتباط‌های اجتماعی است. داشتن روابط گرم و صمیمی با انسان‌های دیگر منبع ایمنی و اعتماد، راحتی و آسایش هر انسان، سازمان و جامعه‌ای است (سلیمان‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۸).

سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. سازگاری در ازدواج از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش، درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (سین‌ها و ماکرچک؛ به نقل از قائمیان، ۱۳۸۸).

در این تحقیق سازگاری زناشویی در سه بعد بررسی شده است: (رفتاری- شناختی - عاطفی) رویکرد رفتاری: (داشتن مهارت‌های ارتباطی مؤثر، شرکت در امور تفریحی به طور مشترک، بحث آرام، اخذ تصمیم‌های مهم به طور مشترک، شیوه رفتار مناسب با خانواده همسر، همکاری، قدردانی، سازش، توانایی مقابله با استرس‌ها و بحران‌ها و ...). رویکرد شناختی: (شناخت هیجان‌های خود و همسر، آگاهی داشتن از احساسات و نیازهای همسر، آگاهی از تحریف‌های شناختی مثل اعتماد متقابل، و آشنایی با مهارت‌های حل مسئله و ...) رویکرد عاطفی: (توانایی برقراری رابطه دوستانه و عاشقانه، ابراز علاقه و بوسیدن همسر، همدلی و صمیمیت با همسر، تبادل افکار مهیج و ...).

مبانی نظری

فریمودر راستای دیدگاه نظریه پردازان روابط فردی، معتقد است که تعارض‌های درون روانی حل نشده خانواده مبدأ، کماکان در روابط صمیمی کنونی با همسر یا فرزندان برون‌ریزی یا تکرار می‌شوند. در حقیقت فریمو (۱۹۸۱) مدعی است که کوشش (زوجین) برای حل تعارض درونی از طریق روابط بین فردی (مثلاً، انتقاد شدید شوهر از همسر به خاطر ناتوانی در کنار آمدن با انتظارهای شدیداً نامتناسب شوهر) کانون اصلی انواع گرفتاری‌هایی است که در ازدواج‌ها و خانواده‌های نا آرام مشاهده می‌شود. فریمو با کاوش این پدیده‌ها از طریق مفاهیم روان‌پویشی و سیستمی میان

عوامل شخصی و اجتماعی نوعی ارتباط مفهومی بر قرار می‌سازد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۸: ۱۵۲). یکی از نظریه‌های مهم در زمینه ازدواج و خانواده که توجیه مناسبی برای روابط رضایت‌بخش و بالعکس می‌باشد، نظریه مبادله اجتماعی نای است. او این نظریه پاداش‌ها و هزینه‌های موجود در تعامل‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد، افراد به دنبال مبادلات پاداش دهنده هستند و تلاش کمتری را برای حفظ هزینه‌ها در مقایسه با پاداش‌ها می‌کنند. اکثر مطالعه‌ها در مورد کیفیت تصمیم‌گیری در خانواده، توجیه علت و چگونگی تصمیم‌گیری از این نظریه‌ها استفاده نموده‌اند. این نظریه به این مطلب اشاره دارد که هر کس منبع پول دانش، استعداد، عاطفه و ... دارد که برای پاداش مناسب با دیگران از این منابع استفاده می‌کند. چنین منابعی می‌تواند منبع قدرت در تصمیم‌گیری زوجین باشد. نظریه مبادله اجتماعی به طور گسترده‌ای برای کمک به زوجین در موقعیت‌های تعارض استفاده می‌شود. اثر درمان‌های موفق زناشویی بر حداکثرسازی جنبه‌های پاداش دهنده روابط و به حداقل رساندن موانع تأکید می‌کند (زرین صدف، ۱۳۸۴: ۵۴).

گازدا اعتقاد دارد اجتماعی نشدن هر فرد دستاورد مهارت‌های ارتباطی اوست که پیشتر آموخته است. سطح برخورداری افراد از این نوع مهارت‌ها می‌تواند فراتر رود. افراد دارای توان بالقوه گسترده‌ای برای درک و فهم و مورد احترام واقع شدن، محبت، راستگویی، گشاده‌رویی و ارتباط بیشتر با دیگران هستند. با برخورداری از پیکره‌ای دانش نظری الگوهای مناسب و فرصت‌های بی‌شماری برای تجربه کردن، فرایند تکامل جنبه‌های انسانی به میزان شایانی می‌تواند تسریع شود (سلیمان‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۹). بر مبنای تحقیق‌های گاتمن (۱۹۷۹) ثبات و رضایت زناشویی از توانایی زوج‌ها در رفع تعارض‌هایی که در همه ارتباط‌ها ایجاد می‌شود نتیجه می‌گیرد این مسئله در تعادل بین رفتارهای مثبت و منفی واقع شده است. روش گاتمن در بررسی رفتارهای زناشویی محدود به روش پرسش‌نامه‌ای نمی‌شود وی علاوه بر روش پرسش‌نامه‌ای از روش مشاهده مستقیم (قرار دادن زوج‌ها در شرایط معمول تعارض‌ها و تمایل‌ها و ثبت رفتار آن‌ها) و مصاحبه نیز به خوبی استفاده می‌کند و سپس نتایج حاصله از روش‌هایی

که خود به دست آورده را با خود گزارشگری‌های زوج‌ها ترکیب می‌کند و نتیجه به دست آمده را گزارش می‌کند. گاتمن مکالمه‌ها و رفتارهای زوج‌ها را در یک دامنه هیجانی از قبیل نفرت، تحقیر، کج خلقی و تصدیق، درجه‌بندی و کدگذاری می‌کند. به نظر گاتمن زوج‌های رضامند تعامل‌های مثبت‌شان بیشتر از تعامل‌های منفی‌شان است. و ثبات زناشویی زمانی بیشتر است که نسبت رفتارهای مثبت به منفی کمتر از یک به پنج است. این زوج‌ها تعارض‌های چهره و رفتاری مثبت بیشتری را در تعامل‌های‌شان به نمایش می‌گذارند (پارکر، ۲۰۰۲، به نقل از مهبد، ۱۳۸۸). یکی از مفاهیم محوری در نظریه بافت‌نگر که توسط نگلی مطرح شده است، عبارت است از ضوابط اخلاقی ارتباط براساس این مفهوم، انصاف و عدالت میان اعضای خانواده امری است پرنوسان که در آن علایق رفاهی هر عضو از سوی دیگران به رسمیت شناخته می‌شود. برای نمونه زوجین باید نوعی بده بستان متقارن به وجود آورند که حقوق و مسئولیت‌های هر کدام را در برابر دیگری متعادل ساخته و از این رهگذر بنای ارتباطی آنان حفظ شده و ادامه یابد. در مواقعی که نیازهای طرفین متعارض هستند، چیزی که در هر رابطه گریزناپذیر است، آنان باید بتوانند صادقانه و آزادانه بر سر این اختلاف به توافق برسند به صورتی که عدالت و انصاف در آن رابطه مجموعاً حفظ شود. عواملی که مسیر شکل و آزادی عمل خانواده را تعیین می‌کنند عبارتند از: عدالت و نزاکت ملاحظه نیازهای تمامی اعضای خانواده و وفاداری، برابری، دوسویگی و تقابل مهربانی و مسئولیت. هدف اصلی درمان بافت‌نگر بهبود قابلیت ارتباطی اعضای خانواده و متعادل‌سازی پرداخت‌های عاطفی و تبادلات اعضای خانواده است. ویژگی خانواده‌های برخوردار از کارکرد کارآمد عبارت است از توانایی توافق و مذاکره بر سر نابرابری‌ها و خصوصاً توانایی حفظ احساس انصاف و مسئولیت در تعامل‌هایی که با یکدیگر دارند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۸: ۶۳).

در رابطه با استقلال‌طلبی زنان از نظریه‌های مارکس و انگلس و روش استفاده شده است، تابعیت زنان نه از ماهیت زیست‌شناختی‌شان که تغییرناپذیر انگاشته می‌شود، بلکه از تنظیم‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد که سابقه‌ای آشکار و قابل پیشگیری دارد و

مبنای رابطه‌ای تابعیت زنان در خانواده گذاشته شده است، نهادی که به درستی از نام لاتینی خدمتکار برگرفته شده است، زیرا خانواده به همان‌سان که در جوامع پیچیده وجود دارد در واقع چیزی نیست جز نظامی از نقش‌های مسلط و تحت‌تسلط. ویژگی‌های اساسی خانواده در جوامع غربی این است که بر محور یک زوج زن و شوهر و فرزندان‌شان در چهارچوب یک خانوار واحد ساخته شده است؛ پدرتبارانه است، یعنی تبار و مالکیت از طریق خط نسبی مردانه انتقال می‌یابد، پدرسالارانه است. یعنی اقتدار در دست رئیس و مرد خانوار است، در چارچوب چنین نهادی، به ویژه مانند خانواده طبقه متوسط که زنان در بیرون خانه شغلی ندارند و در نتیجه از استقلال اقتصادی محرومند، زنان جزو متعلقات یا دارایی‌های شخصی شوهرشان به شمار می‌آیند (ریترز، ۱۳۸۷: ۴۸۰). به نظر روشه همراه با دیگر گونی‌هایی که در ساخت و کارکرد خانواده در جامعه مدرن صورت گرفته، موجب شده که پایگاه اجتماعی زنان نیز دگرگون شود. صنعت و شهرنشینی به زنان این فرصت را داده است که در خارج از خانه به اشتغال پردازند. هم‌چنین محیط شهری به زنان قبل از ازدواج و ضمن آن کمک کرده است. و در جوامع سنتی به دلیل سلطه‌ی مردسالاری و فقدان فرصت‌های مناسب آموزشی برای زنان، آن‌ها از بیسوادی بیشتری نسبت به مردان رنج می‌برند (روشه، ۱۳۷۷: ۲۳۲).

فرضیه تحقیق

- بین مهارت‌های رفتاری زوجین و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین مهارت‌های شناختی زوجین و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین میزان استقلال‌طلبی زنان و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین سن زنان و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.
- سازگاری زناشویی زنان شاغل براساس آشنایی قبل از ازدواج متفاوت است.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد.

جامعه آماری، نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر را زنان ۲۰-۵۵ سال شهر تبریز تشکیل می‌دهد که تعداد آن‌ها با مراجعه به سال نامه آماری سال ۱۳۸۵، برابر با ۴۴۹۳۹ نفر بوده است. حجم نمونه مورد نظر را با استفاده از فرمول کوکران به دست آورده‌ایم که حجم نمونه برابر ۳۸۱ نفر می‌باشد.

$$n = \frac{Nt^2 \cdot pq}{Nd^2 + t^2 pq} \quad n = \frac{44939 \times 1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{[44939 \times 0/05^2] \pm 1/96^2 \times 0/5 \times 0/5} = 381$$

ابزار اندازه‌گیری

برای سنجش رابطه بین متغیرها در تحقیق حاضر از پرسش‌نامه استفاده شد که در مجموع از ۵۲ تشکیل شده بود. ۵ سوال اول مربوط به سوال‌های زمینه‌ای و ۲۷ سوال مربوط به متغیر وابسته از پرسش‌نامه آماده (اسپاینر) و ۲۰ سوال آن مربوط به سوال‌های متغیر مستقل که توسط محقق ساخته شده استفاده شد. پرسش‌ها به صورت سؤال‌های بسته و باز و در مقیاس‌های اسمی، فاصله‌ای و رتبه‌ای طرح گردیدند و در نهایت برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته با احتساب مجموع نمرات برای هر شخص در رابطه با متغیرهای ذکر شده از طیف لیکرت استفاده شده است.

تعیین اعتبار (Validity) ابزار پژوهش و قابلیت اعتماد (Reliability)

در تحقیق حاضر از انواع موجود اعتبار، اعتبار صوری استفاده شده است. پرسش‌نامه بعد از طراحی در اختیار متخصصین و اساتید علوم اجتماعی و تعدادی از دانشجویان کارشناسی ارشد قرار داده شد و نظرهای آنها در مورد تک‌تک گویه‌ها جمع‌آوری گردید و در طرح نهایی پرسش‌نامه اعمال گردید و پس از رفع نقایص و نارسایی‌های موجود در پرسش‌نامه، برای گردآوری داده‌ها استفاده گردید. برای اندازه‌گیری قابلیت اعتماد آن نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آلفای محاسبه شده برای هریک از مفاهیم بیش از ۰/۶ به دست آمده است. پایایی سوال‌های مربوط به سازگاری زناشویی در زنان مورد مطالعه $\alpha = 0/9493$ به دست آمده است.

جدول شماره (۱): پایایی سوال‌های سازگاری زناشویی

متغیر	تعداد	میانگین	واریانس	کواریانس	همبستگی	ضریب آلفا
سازگاری زناشویی	۲۷	۳/۴۴۶۹	۱/۶۲۲۶	۰/۶۶۴۱	۰/۴۱۳۱	۰/۹۴۹۳

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۱ انجام شده است. آزمون‌های فرضیه اول، دوم، سوم که در سطح فاصله‌ای-فاصله‌ای است از (ضریب همبستگی پیرسون) آزمون فرضیه چهارم در سطح فاصله‌ای رتبه‌ای از (آزمون ضریب همبستگی پیرسون) آزمون فرضیه پنجم که در سطح فاصله‌ای-اسمی دوحالت می‌باشد از (Ttest) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	فراوانی	درصد	درصد معنیر
مهارت‌های رفتاری	بد (۰-۲۵)	1	0.3
	ضعیف (۲۵-۵۰)	15	3.9
	متوسط (۵۰-۷۵)	184	48.3
	خوب (۷۵-۱۰۰)	181	47.5
	کل	381	100.0
مهارت‌های شناختی	بد (۰-۲۵)	19	5.0
	ضعیف (۲۵-۵۰)	86	22.6
	متوسط (۵۰-۷۵)	208	54.6
	خوب (۷۵-۱۰۰)	68	17.8
	کل	381	100.0
استقلال طلبی	بد (۰-۲۵)	188	49.3
	ضعیف (۲۵-۵۰)	115	30.2

15.0	15.0	57	متوسط (۷۵-۵۰)	
5.5	5.5	21	خوب (۱۰۰-۷۵)	
100.0	100.0	381	کل	
1.8	1.8	7	خیلی کم (۲۰-۰)	سازگاری زناشویی
4.2	4.2	16	کم (۴۰-۲۰)	
15.7	15.7	60	متوسط (۶۰-۴۰)	
47.8	47.8	182	زیاد (۸۰-۶۰)	
30.4	30.4	116	خیلی زیاد (۱۰۰-۸۰)	
100.0	100.0	381	کل	آشنایی قبل از ازدواج
40.7	40.7	155	بده	
59.3	59.3	226	خیر	
100.0	100.0	381	کل	

جدول شماره (۳): آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حدافل	حداکثر
سن زنان	۳۸۱	۳۴/۴۱	۷/۳۱	۰/۴۷	۲۰	۵۳
مهارت‌های رفتاری	۳۸۱	۷۴/۹۵	۱۲/۲۵	-۰/۰۷۰۵	۱۸/۱۳	۱۰۰
مهارت‌های شناختی	۳۸۱	۶۱/۳۸	۱۷/۴۹	-۰/۰۴۴۳	۹/۰۹	۹۵/۰۴۵
استقلال طلبی	۳۸۱	۳۲/۳۷	۲۳/۰۹	۰/۷۳۱	۰	۱۰۰
سازگاری زناشویی	۳۸۱	۶۹/۹۷	۱۶/۹۸	-۱/۲۰۰	۴/۵۱	۹۹/۲۰۵

همبستگی بین سازگاری زناشویی و سن زنان مورد مطالعه

بین این دو متغیر رابطه معکوس وجود دارد، یعنی هر چه قدر سن فرد بالاتر می‌رود، از میزان سازگاری زناشویی وی کاسته می‌شود. در بررسی رابطه سن و میزان سازگاری زناشویی، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۱۵۶-) می‌توان گفت که بین دو متغیر، همبستگی وجود دارد.

جدول شماره (۴): رابطه بین میزان سن زنان و سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی	ضریب همبستگی پیرسون	-0.156	1
سن	ضریب همبستگی پیرسون	1	-0.156

مقایسه تفاوت سازگاری زناشویی بر اساس آشنایی قبل از ازدواج

(آزمون T-Test)، نشان می‌دهد. مقدار $F=0.738$ دارای سطح معنی‌داری $p=0.391$ است از این رو، به لحاظ آماری بین میانگین این دو گروه، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. پس بین آشنایی قبل از ازدواج و سازگاری زناشویی در زنان مورد مطالعه، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره (۵): آماره‌های توصیفی آزمون تی تست متغیرهای

آشنایی قبل از ازدواج و سازگاری زناشویی

خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	آشنایی قبل از ازدواج	
1.269	15.802	72.36	155	پله	سازگاری زناشویی
1.170	17.591	68.34	226	خیر	

جدول شماره (۶): آزمون تی تست دو گروه مستقل متغیر آشنایی

قبل از ازدواج و سازگاری زناشویی زنان مورد مطالعه

T-Test برای بررسی میانگین‌ها				T-Test برای بررسی واریانس‌ها			
تفاوت انحراف	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری دو دامنه	درجه آزادی	t	سطح معنی‌داری	آماره F	
1.761	4.01	.023	379	2.279	.391	0.738	با فرض برابری واریانس‌ها
1.726	4.01	.021	352.667	2.325			با فرض نابرابری واریانس‌ها

همبستگی بین مهارت‌های رفتاری زوجین و میزان سازگاری زناشویی

از آن جا که سازگاری زناشویی و نیز مهارت‌های رفتاری زوجین در مقیاس فاصله-ای سنجیده شده‌اند، بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۶۱) می‌توان گفت که بین دو متغیر، همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی هرچه قدر مهارت رفتاری فرد بیشتر باشد، میزان سازگاری زناشویی وی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۷): رابطه بین میزان مهارت‌های رفتاری زوجین با سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی	ضریب همبستگی پیرسون	1	.361
	سطح معنی داری یک دامنه	.	.000
مهارت‌های رفتاری زوجین	ضریب همبستگی پیرسون	.361	1
	سطح معنی داری یک دامنه	.000	.

همبستگی بین مهارت‌های شناختی زوجین و میزان سازگاری زناشویی

برای بررسی رابطه بین سازگاری زناشویی زنان مورد مطالعه و میزان مهارت‌های شناختی آن‌ها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۳۸) می‌توان گفت که بین دو متغیر همبستگی مثبت وجود دارد. به عبارتی، هرچه قدر مهارت‌های شناختی زوجین بیشتر باشد، میزان سازگاری زناشویی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۸): رابطه بین میزان مهارت‌های شناختی زوجین با سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی	سازگاری زناشویی	مهارت‌های شناختی زوجین
ضریب همبستگی پیرسون	1	.438
سطح معنی داری یک دامنه	.	.000
مهارت‌های شناختی زوجین	ضریب همبستگی پیرسون	.438
سطح معنی داری یک دامنه	.000	.

همبستگی بین میزان استقلال طلبی و میزان سازگاری زناشویی

برای بررسی رابطه سازگاری زناشویی و میزان استقلال طلبی زنان مورد مطالعه، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی داری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که بین دو متغیر مذکور، رابطه‌ی معنی دار و مستقیم وجود دارد و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۱۸) می‌توان گفت بین سازگاری زناشویی و استقلال-طلبی زنان، همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی هرچه میزان استقلال زنان در نمونه مورد نظر، بیشتر باشد و از توان تصمیم‌گیری بالایی برخوردار باشند، میزان سازگاری زناشویی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۹): رابطه بین میزان استقلال طلبی زنان و سازگاری زناشویی

میزان استقلال طلبی زنان	سازگاری زناشویی		
0.218	1	ضریب همبستگی پیرسون	سازگاری زناشویی
0.000	.	سطح معنی داری یک دامنه	
1	0.218	ضریب همبستگی پیرسون	میزان استقلال طلبی زنان
.	0.000	سطح معنی داری یک دامنه	

بحث و نتیجه‌گیری

رابطه مهارت‌های اجتماعی (فرضیه‌های رفتاری-شناختی) با میزان سازگاری زناشویی زنان مورد مطالعه در ارتباط با این فرضیه‌ها، تلفیقی از نظریه‌های هومنز، گازدا، نگی، فریمو، نای و گاتمن استفاده شده که همگی بر نقش مهارت‌های اجتماعی در زندگی تأکید کرده‌اند و بر این باور بوده‌اند که همین کنش‌های متقابل است که جامعه را می‌سازد و هر کس این مهارت‌ها را آموزش دیده باشد در آینده فردی اجتماعی خواهد بود. از نظر بوزورمنی-نگی در بین زوجین باید نوعی بده بستان متقارن به وجود آورند که حقوق و مسئولیت‌های هر کدام را در برابر دیگری متعادل ساخته و از این رهگذر بنای ارتباطی آنان حفظ شده و ادامه یابد. و از دیدگاه هومنز، رفتار اجتماعی به عنوان یک تبادل فعالیت ملموس یا غیرملموس و کم و بیش پاداش دهنده

یا غرامت‌آمیز میان دست کم دو شخص، می‌باشد. هومنز معتقد بود که انسان‌ها اجتماعی‌اند و بخش چشمگیری از وقت‌شان را درکنش متقابل با همدیگر صرف می‌کنند. هومنز در قضایای بنیادی خود که همین قضایا مبنای نظریه تبادلی‌اش را درباره رفتار اجتماعی تشکیل می‌دهند. تأکید بر این نظریه دارد که هر رفتاری که پاداش بیشتری برای فرد به دنبال داشته باشد که و یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست احتمال این که آن رفتار از فرد سر بزند بیشتر خواهد بود (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۲۴).

فریمو نیز در راستای دیدگاه نظریه پردازان روابط فردی معتقد است که تعارض‌های درون روانی حل نشده خانواده مبدأ کماکان در روابط صمیمی کنونی با همسر یا فرزندان برون‌ریزی یا تکرار می‌شوند. در حقیقت فریمو (۱۹۸۱) مدعی است که کوشش زوجین برای حل تعارض درونی از طریق روابط بین فردی (مثلاً) انتقاد شدید شوهر از همسر به خاطر ناتوانی در کنار آمدن با انتظارهای شدیداً نامتناسب شوهر کانون اصلی انواع گرفتاری‌هایی است که در ازدواج‌ها و خانواده‌های نا آرام مشاهده می‌شود. فریمو با کاوش این پدیده‌ها از طریق مفاهیم روان‌پوشی و سیستمی میان عوامل شخصی و اجتماعی نوعی ارتباط مفهومی برقراری می‌سازد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

از نظر نای یکی از نظریه‌های مهم در زمینه ازدواج و خانواده که توجه مناسبی برای روابط رضایت‌بخش و بالعکس می‌باشد، نظریه مبادله اجتماعی نای است. او این نظریه پاداش‌ها و هزینه‌های موجود در تعامل‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد، افراد به دنبال مبادلات پاداش دهنده هستند و تلاش کمتری را برای حفظ هزینه‌ها درمقایسه با پاداش‌ها می‌کنند (زرین صدف، ۱۳۸۴: ۵۴).

گاتمن هم در مورد تعامل‌های زناشویی این نتیجه را مطرح ساخت که وقتی مکالمه‌ها و رفتارهای زوج‌ها را در یک دامنه هیجانی از قبیل نفرت، تحقیر، کج خلقی و تصدیق، درجه‌بندی و کدگذاری می‌شوند زوج‌های رضامند تعامل‌های مثبت‌شان بیشتر از تعامل‌های منفی‌شان است. الگوی تبادل اجتماعی تعامل زناشویی چنین می‌-

پندارد که وقتی افراد روابطی صمیمانه برقرار می‌کنند فقط تا زمانی که رابطه به اندازه کافی با توجه به پاداش‌ها و هزینه‌ها رضایت‌بخش باشد آن را حفظ می‌نماید (تیپوت و کلی، ۱۹۵۹؛ به نقل از مهبد، ۱۳۸۸). نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای سنجش فرضیه رابطه بین میزان مهارت‌های شناختی و رفتاری و سازگاری زناشویی، نشان می‌دهد بین متغیرهای مهارت‌های رفتاری و سازگاری زناشویی و هم‌چنین بین مهارت‌های شناختی و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت وجود دارد. به عبارتی، هر چه قدر مهارت‌های شناختی و رفتاری فرد بیشتر باشد، میزان سازگاری زناشویی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. و نتایج تحقیق حاضر همسو با یافته‌های رضازاده (۱۳۸۷)، هدی برازنده و همکاران (۱۳۸۳)، مهررضا (۱۳۸۶)، حاجی ابولزاده (۱۳۸۱)، شعبانی (۱۳۸۵)، مهررضا و همکاران (۱۳۸۷)، فتحی و همکاران (۱۳۸۳)، کارنی (۱۹۹۷)، برادبوری (۲۰۰۰)، شارلین و همکاران (۲۰۰۰)، جانسون (۲۰۰۵) است.

رابطه بین میزان استقلال‌طلبی زنان با میزان سازگاری زناشویی زنان مورد مطالعه در این فرضیه از نظریه‌های مارکس و انگلس و روش استفاده شده است. به نظر مارکس و انگلس اقتدار در دست مرد خانوار است در چارچوب چنین نهادی به ویژه مانند خانواده طبقه متوسط که زنان در بیرون خانه شغلی ندارند و در نتیجه از استقلال اقتصادی محرومند زنان جزو متعلقات یا دارائی‌های شخصی شوهرشان به شمار می‌آیند. به نظر روشه همراه با دیگر گونی‌هایی که در ساخت و کارکرد خانواده در جامعه مدرن صورت گرفته، موجب شده که پایگاه اجتماعی زنان نیز دگرگون شود. صنعت و شهرنشینی به زنان این فرصت را داده است که در خارج از خانه به اشتغال پردازند. هم‌چنین محیط شهری به زنان قبل از ازدواج و ضمن آن کمک کرده است. و درجوامع سنتی به دلیل سلطه‌ی مردسالاری و فقدان فرصت‌های مناسب آموزشی برای زنان، آن‌ها از بیسودی بیشتری نسبت به مردان رنج می‌برند (روش، ۱۳۷۷: ۲۳۲). بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، بین سازگاری زناشویی و استقلال‌طلبی زنان، همبستگی مثبت وجود دارد. بنابراین بین استقلال زنان و میزان سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

مقایسه سازگاری زناشویی براساس سابقه آشنایی قبل از ازدواج زنان مورد مطالعه یافته‌های حاصل از این فرضیه، همسو با یافته‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۴)، موحد و همکاران (۱۳۸۵) می‌باشد و قابل کاربرد به جامعه آماری می‌باشد. بنابراین رابطه معنی‌دار بین سابقه آشنایی قبل از ازدواج و میزان سازگاری زناشویی وجود دارد. یعنی کسانی که سابقه آشنایی قبل از ازدواج داشته‌اند میزان سازگاری زناشویی بیشتر است. رابطه بین سن زنان و میزان سازگاری زناشویی زنان مورد مطالعه سن به دلایل متعدد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در سازگاری زناشویی زوجین داشته باشد. زیرا افراد در سنین مختلف نیازمندی‌های متفاوتی دارند و از توان متفاوتی برای برآوردن نیازهای خود برخوردارند و قریحه آن‌ها در طول عمر متحول می‌شود. در این پژوهش رابطه معنی‌دار بین سن زنان و میزان سازگاری زناشویی وجود دارد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- ۱- ارتقای سطح آگاهی زنان نسبت به کسب مهارت‌های رفتاری و شناختی و اعمال آن‌ها در زندگی زناشویی.
- ۲- شناسایی عوامل کاهش دهنده رضایت زناشویی.
- ۳- سنجش میزان سازگاری زناشویی از طریق عوامل دیگری از جمله ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی، گرایش‌های مذهبی، نقش عوامل اقتصادی و ...
- ۴- شناسایی عواملی که باعث می‌شوند استقلال مالی و فکری زنان، علی‌الخصوص زنان شاغل در حد بسیار پایین باشد.

پیشنهاد‌های کاربردی

- ۱- آموزش مهارت‌های همسرگزینی و شیوه‌های موفقیت در زندگی زناشویی از طریق کتب درسی در دبیرستان‌ها و مراکز دانشگاهی.
- ۲- فراهم کردن امکانات آموزشی رایگان به منظور آشنایی با مهارت‌های رفتاری و ارتباطی با همسر برای جوانانی که در آستانه ازدواج قرار گرفته‌اند.

۳- ایجاد فضاهای ورزشی و تفریحی مخصوص بانوان که بتوانند روحیه شادکامی را در زندگی حفظ کنند.

منابع

- برنشتاین، ف و برنشتاین، م. (۱۳۷۷). **شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی (زناشویی درمانی)**. مترجم: ح، سهرابی. تهران: انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- روشه، گک. (۱۳۷۷). **تغییرات اجتماعی**. مترجم: م، وثوقی. تهران: انتشارات نی.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۷). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. مترجم: م، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- زرین‌صدف، ا. (۱۳۸۷). **بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی بین دانشجویان دانشگاه آزاد ساری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی.
- سلیمان زاده، ع. (۱۳۸۸). **بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ملکان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی.
- قائمیان اسکویی، آ. (۱۳۸۸). **بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی و شیوه‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی.
- گلدنبرگ، ا و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۸). **خانواده درمانی**. مترجم: ح، حسین‌شاهی و دیگران. تهران: انتشارات روان.
- مک‌کی، م و فانیگ، پ و پالگ، ک. (۱۳۷۹). **رابطه مؤثر (مهارت‌های زناشویی)**. مترجم: م، قراچه‌داغی. تهران: انتشارات راسرار دانش.
- مهبد، ن. (۱۳۸۸). **بررسی ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی زوجین شهر تبریز**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی.